

بررسی ویژگی‌های سبک شخصی عطار در تذکرة الاولیاء

طاهره مرادزاده مقدم^۱، سید محمودرضا غیبی*^۲، ایوب کوشان^۳ و ژیلای صراطی^۴

چکیده

کتاب تذکرة الاولیاء، اثر عطار نیشابوری، سرگذشت نود و هفت تن از اولیاء و مشایخ تصوف، به عنوان شاهکار ادب عرفانی، در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم تألیف شده است. هدف این پژوهش، بررسی سبک‌شناسی این اثر تعلیمی در توصیف و تفسیر مباحث عرفانی، اخلاقی و اجتماعی است که برای شناخت ویژگی‌های برجسته کتاب، جنبه‌های زبانی، ادبی و فکری آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی است. یافته‌ها و نتیجه‌گیری: می‌توان چنین بیان کرد که، عطار هم در شیوه آموزش مفاهیم تربیتی و هم در سبک بیان، دارای ویژگی‌های خاصی است. عطار در بخش اول و در قسمت ذکر و معرفی عارفان با استفاده از ترکیب‌های وصفی، تصویرسازی‌های هنری ایجاد کرده و با به کار بردن کلمات عربی در اوزان مختلف، واج‌آرایی، کلمات هم‌آوا و هم‌وزن به اصطلاح سجع، نثر مقدمه را مسجع، موزون و متمایل به فنی ساخته است. در بخش دوم، بعد از ذکر و توصیف صفات عارف، نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم از دیگران به شناساندن احوال و تفسیر اقوال آن عارف پرداخته است و سؤالاتی در موضوعات مختلف، از جمله عرفانی، اخلاقی و اجتماعی مطرح کرده است. در بخش سوم، جواب سؤالات، با تمثیلات، تلمیحات و حکایات به‌طور مفصل بیان شده است. تنوع در سطح زبانی بیشتر دیده می‌شود، مثل کوتاهی جمله‌ها و انواع حذف‌ها و جمله‌های شرطی... در سطح ادبی هم از آرایه‌های ساده مثل تشبیه حسی به حسی، مراعات نظیر و... زیاد فراتر نمی‌رود. در سطح فکری، به بیان مسائل دینی و توصیف احوال عارفان و تحلیل مفاهیم عرفانی، اخلاقی و اجتماعی عرفا از جمله: معرفت، یقین، سخاوت و خدمت به خلق و... می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: عطار، تذکرة الاولیاء، سبک زبانی، ادبی، فکری.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. (نویسنده مسئول) ma_gheibi@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۱- مقدمه

کتاب تذکرة الاولیاء تنها اثر منثور فریدالدین عطار نیشابوری شاعر و عارف نام‌آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم است. کتاب تذکرة الاولیاء به عنوان یک اثر تعلیمی و تربیتی محسوب می‌شود. عطار در مقدمه کتاب می‌گوید: «پس از قرآن و اخبار رسول صلی الله علیه و آله و سلم هیچ سخنی برتر از سخنان مشایخ طریقت نیست». (استعلامی، ۱۳۹۸: ۷) او با این اعتقاد و به درخواست دوستان به مطالعه احوال و سخنان آنان پرداخته و این کتاب را تألیف کرده است. «در نگاه و تصحیح تذکرة الاولیاء باید از روش «مولکولی» استفاده کرد این کتاب هر جمله‌اش حاصل اندیشه و ذهن یکی از بزرگان زهد و تصوف است و هر کدام از این جمله‌ها خود جهانی است ویژه خود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۷: ۳۱)

از ویژگی‌های خاص عطار در نگارش تذکرة الاولیاء می‌توان به دو نوع نثر اشاره کرد نثر مسجع و مرسل. پس نثر مسجع: «آن است که جمله‌های قرینه، دارای سجع باشند. سجع در نثر به منزله قافیه است در شعر، در صورتی که مقید به سجع نباشد آن را نثر مرسل، یعنی آزاد و خالی از قید سجع می‌گویند». (همایی، ۱۳۷۸: ۶)

و نیز گفته شده که «در نثر مرسل وظیفه لغت بیان معنی است در حدی که معنی را کامل و تمام و رسا منتقل کند. به همین مناسبت نیز در این قسم از نثر از میان سه شیوه مختلف ایجاز و مساوات و اطناب معمولاً مساوات را برمی‌گزینند». (خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۶) اما عطار در بسیاری از مواقع با شیوه ایجاز مطالب تذکرة الاولیاء را بیان فرمودند؛ و نیز گفته شده: «انشای کتاب از جهت شیرینی و سادگی کم‌نظیر است به خصوص در شرح بعضی از بزرگان از جمله: بایزید، شبلی و... که سخن را به سر حد اعجاز کشانده و داد فصاحت داده». (فروزان‌فر، ۱۳۸۸: ۷۸)

ولی در بعضی موارد نثر کتاب تذکرة الاولیاء تقلیدی به شیوه جمله‌بندی نثر عربی دارد مثال: «گفت بر من رحمت کرد؛ بدان حرمت داشت که آن امام را کردم در وضو ساختن» و همچنین «بترس از خدای ترسیدنی که در او ناامید نشوی از رحمت او و امیددار به خدای امید داشتنی که در او ایمن نباشی از مکر او». (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

۱ ۴ - اهمیت و ضرورت تحقیق:

این مقاله با معرفی کتاب تذکرة الاولیاء به عنوان یک شاهکار عرفانی و تصوّف و در کنار آن به عنوان یک اثر آموزشی و تربیتی در پی یافتن ویژگی‌هایی است که به نوعی در شاهکاری این اثر مؤثر بوده است به طوری که این ویژگی‌ها در سرتاسر کتاب از سخنان ساده همچون حسن بصری و ابراهیم ادهم گرفته تا سخنان پیچیده حلاج و خرقانی نمود پیدا کرده است و با این وجود مقاله به دنبال یافتن ویژگی‌های سبک خاصّ عطار در تذکرة الاولیاء و یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱ - عطار در آموزش مفاهیم عرفانی از چه شیوه بیانی استفاده کرده است؟

۲ - محور اصلی و ویژگی سبک زبانی و ادبی و فکری این اثر چیست؟

۳ - ویژگی‌های سبک خاصّ عطار در این اثر چه مواردی است؟

۱-۲ - هدف اصلی این تحقیق:

بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی کتاب تذکرة الاولیاء از منظر زبانی و ادبی و فکری است. عطار در این کتاب، هر بخش را یک ذکر (یاد) می‌نامد؛ و بعد شروع می‌کند به تعریف مفاهیم با نقل قول‌ها از زبان عارفان، به شیوه گفتگو (سؤال و جواب) (گفتم و گفت) که در چنین عبارات‌هایی به قول خانلری «مقصود جمله، ذکر خبر است نه معرفّی فاعل». (خانلری، ۱۳۹۲: ۳۴۸)

گفتگوها در معنی خاص و به شکل‌های مختلف و برای هدف خاصی وضع شده است، مثلاً مذاکره = به یاد انداختن و مناظره = با هم نظر کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی و مجادله = ستیزیدن و محکم ساختن، (دهخدا معنی ذیل هر کلمه) که در اسلام هم به نوعی از شیوه گفتگو، به نام جدل احسن سفارش شده است. «به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.» (سوره نحل / ۱۲۵) گفتگوهای تذکرة الاولیاء هم به نوعی مناظره هستند از نوع (مناظره‌های انتقادی و تعلیمی) که بحث قسمت اول، خود نیاز به پژوهش جداگانه دارد؛ اما مناظره‌های تعلیمی که مورد بحث این پژوهش هست از نظر ویژگی‌های سبکی مورد ارزیابی قرار داده شده است.

سبک در اصطلاح ادبیات از دیدگاه صاحب نظران عبارت است از: «روش خاصّ ادراک و

بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر ...». (بهار، ۱۳۴۹: ۲۰)

و از اینکه که کتاب تذکره‌الاولیاء مشحون از اندیشه‌های عرفا و بزرگان صوفیه است و «نگاه تصوّف و عرفان، نگاه هنری به الهیات و دین است و عملاً خود یک هنر است و جلوه‌گاه اصلی این نگاه هنری، زبان است و همه هنرها دارای سبک‌اند و وقتی بخواهیم نگاه جمال‌شناسانه عارف با الهیات را تحلیل کنیم با دو قلمرو زبان‌شناسی کار او و عرصه نشانه‌شناسی هنر او سروکار داریم و تجارب روحانی هم از طریق زبان و رمزها و شمایل‌ها در اختیار ما و هرکس دیگر قرار می‌گیرد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۱۷ و ۵۱۸) و ما نیز می‌توانیم با بررسی ویژگی‌های زبان و بیان کسی، تا حدودی به سبک شخصی او پی ببریم همچنان که هر نویسنده و شاعر دارای سبک خاصی هست که گفته‌اند: «سبک شخصی، سبک خاص شاعر و نویسنده است که آثار او را در طول قرون از اثر هر کس دیگری به نحو نمایانی متمایز نگاه می‌دارد». (شمیسا، ۱۳۸۴: ۷۴) و همچنین بیان شده: «چنانچه عناصر و شاخصه‌های گوناگون هر اثری با اصول سبک‌شناختی دقیق تحقیق و تشریح نمود شود رسیدن به محتوای اثر و به دنبال آن کشف دنیای وجودی صاحب اثر تا حدی ممکن خواهد بود». (عبادیان، ۱۳۷۲: ۷)

۱-۳- پیشینه تحقیق:

کتاب تذکره‌الاولیاء به دلیل جایگاه برجسته‌اش در میان متون عرفانی، همواره موضوع پژوهش و بحث متفکران بوده است نکته مورد توجه، در مورد پژوهش‌های زیر این است که در هیچ‌کدام از آنها به تفصیل، تحقیقی مستقل از شیوه‌های گفتگو و بررسی آنها در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، تاکنون به چاپ نرسیده‌است؛ اما از میان چند نمونه، کار همسو و مشابه با این تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - احمدی، (۱۳۷۹) در کتاب «چهار گزارش از تذکره‌الاولیاء عطار» به ساختارهای زبان‌شناسی، دلالت‌ها و ویژگی‌های سبکی آن پرداخته است.
- ۲ - روضاتیان، (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ملحقات تذکره‌الاولیاء بررسی و مقایسه بینامتنی بخش اول و دوم» پرداخته ولی با مقایسه بخش اول و دوم بیان می‌کند که عطار در شرح احوال و نقل اقوال شخصیت‌های تذکره‌الاولیاء شیوه خاصی داشته که در قسمت

- اول رعایت شده ولی در قسمت دوم رعایت نشده و گمان الحاقی بودن قسمت دوم را تقویت می‌بخشد.
- ۳ - زهت، مهدوی، (۱۳۹۰)، در پایان‌نامه‌ای با موضوع «مطالعه و بررسی نوع ادبی تذکره‌الاولیاء در عرفان و ادب فارسی با تأکید بر «تذکره‌الاولیاء» عطار، به استخراج نکات ادبی موجود در اثر پرداخته‌اند.
- ۴ - مشتاق مهر، برزی، (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «محتوا و ساختار در تذکره‌الاولیاء عطار» که ارزش‌های تاریخی، عرفانی و ادبی تذکره‌الاولیاء را بیان کرده و در پایان هم شیوه کاربرد آیات و احادیث آن را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.
- ۵ - روضاتیان، میرباقری فرد و هم‌متی، (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و مقایسه سبک‌شناختی بخش اول و دوم تذکره‌الاولیاء» که نتیجه پژوهش این مقاله، تمایز دادن بخش اول با بکار بردن سجع‌های متنوع و در بخش دوم اطناب در بیان شرح حال‌ها و کهنگی زبان بیان شده است، پرداخته‌اند.
- ۶ - عزیزاده و بهروزی فر، (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان «شناسایی مؤلف متون کهن ادبی با مراجعه به ساختارهای نحوی موجود در آن (مطالعه موردی تذکره‌الاولیاء)».
- ۷ - جابری، (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه ساختار و موضوع و طرفین گفتگوی انتقادی در تذکره‌الاولیاء»، به بررسی نقد اولیاء بر یکدیگر و نقد افراد دیگر بر زنان و کودکان، اصحاب قدرت و افراد ناشناس به شیوه گفتگو پرداخته‌اند.
- ۸ - مشکین دائم هشی، (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان: «بررسی سبک شخصی دو بخش اصلی افزوده تذکره‌الاولیاء عطار» به نقد اثر بر اساس روش تحلیل آماری کیو سام پرداخته است.

۱-۴- روش تحقیق:

تحقیق حاضر مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیلی است که گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تحلیل یافته‌ها و استنتاج کلی، ساختارهای این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱-۵- نوآوری و تفاوت پژوهش حاضر:

تفاوت و تمایز این تحقیق در این است که در مرحله اول شیوه گفتگوها جمع‌بندی شده و در مرحله بعد، از نظر ویژگی‌های کلی سبک‌شناسی (زبانی، ادبی، فکری) دسته‌بندی شده است و از نمونه‌هایی از ویژگی‌های مورد بحث به‌عنوان شاهد آورده شده است که این کار ما را در شناخت سبک خاص عطار کمک می‌کند. همچنین در اهمیت تحقیق می‌توان گفت با وجود این که: «نشر تذکرة الاولیاء را نمی‌توان اثر خاص عطار شمرد و برای آن نشانه‌هایی با موازین سبک‌شناسی بیان کرد و کار عطار را در این کتاب تألیف دانسته‌اند نه تصنیف». (استعلامی، ۱۳۷۰: ۳۵) اما در همین پژوهش به تعدادی از ویژگی‌های خاصی برخورد کردیم که در هیچ کدام از سبک‌های ادبی دوره‌های معمول، بیان نشده پس این‌ها را می‌توان از ویژگی‌های خاص عطار نام برد از جمله: در تعریف موضوعات، طبقات مختلف را در نظر گرفته، تعریف‌های موجز برای خواص و مبسوط برای عامه و یا در بسیاری از تعریف‌ها، روش علی، معلولی و استدلالی را به کار برده و یا با استفاده از مصدرهای پی‌درپی و انواع صفت‌های بیانی و همچنین با استفاده از اعداد و تقسیم‌بندی به انواع گوناگون مطلبی را تعریف کرده است.

۲- بحث و بررسی یافته‌ها:

با توجه به مطالعه کتاب تذکرة الاولیاء، شیوه بیان مفاهیم تربیتی و روش جواب به سؤالات به سه شکل زیر قابل ملاحظه است.

۱-۲- شکل اول: «توضیح مفاهیم به صورت مؤجز و مختصر و گاهی در قالب تشبیه ساده یا به صورت حکم قاطع و با فعل‌های امرونهی و جمله‌های کوتاه و بیشتر هم به صورت صفت تفضیلی و یا عالی بیان شده، نمونه‌ها: - و گفت: «یقین نوریست که حق - تعالی - در دل بنده پدید آرد تا بدان جمله انوار آخرت مشاهده کند.» (عطار، ۱۳۷۰: ۴۱۲) و گفت: «صبر، ترک شکایت است.» (همان: ۴۸۶) - گفت: «سر همه آفت‌ها سیر خوردن است.» (همان: ۳۱۲) - و گفت: «صبر، ثبات است بر احکام کتاب و سنت.» (همان: ۶۰۸) - و گفت: «شک را اختیار

مکن بر یقین.» (همان: ۱۵۷) گفت: «نافع‌ترین خوف‌ها آن است که تو را از معصیت باز دارد.» (همان: ۴۱۵)

۲-۲- شکل دوم: جواب سؤال‌ها کمی مبسوط و با اعداد و تقسیم‌بندی همراه است برای بیان نوع و زمان. نمونه‌ها: «استغفار توبه است و توبه اسمی است جامع شش چیز: اول پشیمانی، دوم...» (همان: ۴۹۵) - و گفت: «صلاح دل در چهار چیز است: در فقر به خدا و در استغفار از غیر خدا و تواضع و مراقبت.» (همان: ۴۸۰) و گفت: «هر که خدمت درویشان کند به سه چیز مکرم شود: تواضع و حسن ادب و سخاوت.» (همان: ۳۵۳) - سعید جبیر گفت: «سه کار مکن: یکی قدم بر سلاطین منه، اگرچه همه محض شفقت بود بر خلق. دوم با هیچ سرپوشیده منشین، اگرچه رابعه بود و تو او را کتاب خدا آموزی و سوم...» (همان: ۳۷) - گفت: «جوانمردی سه چیز است: یکی وفا بی‌خلاف، دوم ستایش بی‌جود، سوم عطا بی‌سؤال.» (همان: ۳۲۷) - گفت «سه گروه فلاح نیابند: بخیلان و ملولان و کاهلان.» (همان: ۷۶۹) - و گفت: «آدمیان را دو چیز هلاک گردانید: طلب عزّ و خوف درویشی.» (همان: ۳۱۵) در تذکرة الاولیاء اعداد برای بیان زمان به کار رفته است. مثال: «فرق میان دل مؤمن و منافق چیست؟ گفت: «دل مؤمن در ساعتی هفتاد بار بگردد و دل منافق هفتادسال بر یک حال بماند.» (همان: ۴۴۹) - نقل است که یکبار هفت شبانه‌روز روزه نگشاد و شب نخفت. شب هشتم گرسنگی بر وی غلبه کرد. نفس فریاد کرد که مرا چند رنجانی؟ ناگاه یکی در بزد و کاسه‌ای طعام آورد.» (همان: ۸۲)

۲-۳- شکل سوم: که عارف در جواب سؤال‌ها و توضیح آن‌ها متوسّل می‌شود به نقل حکایتی به شیوه تمثیل یا با توضیح بیشتر شخص سؤال‌کننده را قانع کند که در بیشتر مواقع سؤال‌کننده در قالب شخصیت‌های مختلف است؛ ولی هدف اصلی، آموزش مخاطب در واقع همان عموم مردم است. نمونه‌ها: از او پرسیدند که زهد چیست؟ گفت: «در لب دریای غیب ایستاده بودم، بیلی در دست، یک بیل فرو بردم، از عرش تا ثریّ بعد آن یک بیل برآوردم چنان که دوم بیل را هیچ نمانده بود و این کمترین درجه زهد است.» (همان: ۵۶۲) مثال: (تعریف مفاهیم با یک داستان کوتاه)، نقل است که رابعه روزی بیمار شد. سبب بیماری پرسیدند. گفت: «نظرت الی

الجَنَّةُ، فَادَّبَنِي رَبِّي» سحرگاه دل ما، به بهشت میل کرد، دوست با ما عتاب کرد، این بیماری از آن است». (همان: ۸۴)

در این سه شیوه پاسخگویی و آموزش در توصیف و توضیح مباحث عرفانی و احوال و احوال و احوال عارفان بزرگ که در بالا ذکر شده بررسی ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن‌ها نیز حائز اهمیت است.

۳- از ویژگی‌های زبانی کتاب تذکرة الاولیاء به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۳-۱. جمله‌ها کوتاه با حذف فعل یا حذف قسمتی از جمله، به شکل ترکیب وصفی و مسجع. مثال: «آن زین زمان، آن رکن امان آن امام شریعت و طریقت آن ذوالجهادین بحقیقت...» (عطار، ۱۳۷۰: ۱۸۲) - در معرفی حارث محاسبی: «آن سید اولیا، آن عمده‌اتقیا، آن محتشم معتبر، آن محترم مفتخر و آن ختم کرده ذوالمناقبی...». (همان: ۲۳۳)

۳-۲. بهره‌گیری از لغات عربی و ترکیبات عربی، مثال: «ان قتیل الله فی سبیل الله، آن شیر بیشه تحقیق، آن شجاع صفدر صدیق...» (همان، ذکر حسین بن منصور: ۵۰۹) و چون امید از خلاق به یکبارگی منقطع گردانید، این نوبت گفت: «یا الهی الغیاث، الغیاث» و از صادق مضطر شدم». (همان، ذکر امام صادق: ۱۷)

۳-۳. تعریف با مصدرهای پی‌درپی و در کنار هم، مثال: و گفت: «اصل سیاست، کم خوردن و کم خفتن و کم گفتن و ترک شهوات کردن.» (همان: ۵۰۷) مثال: روزی یاران را گفت که: «از دروغ گفتن و خیانت کردن و غیبت کردن دور باشید.» (همان: ۳۸۰) - گفتند: «ملازمت عادت چیست؟» - گفت: «به حرام نگرستن و غیبت شنیدن.» (همان: ۷۵۷)

۳-۴. ترکیب‌هایی که مخصوص این کتاب است، مثال: «عارف آن است که هیچ (شربگاه) او را تیره نگرداند.» (همان: ۱۹۴) کاربرد (جدا باز کردن) به معنی تمیز و فرق نهادن است هرکه میان این احوال جدا تواند کرد، او را رسد که سخن گوید.» (همان: ۴۲۷) «مردمان تا (ترسکار) باشند بر راه باشند، چون ترس از دل ایشان برفت گمراه گردند.» (همان: ۱۴۸) - و گفت: «اگر توانی که به (صبر نشینی) چنان کن و از آن قوم مباش که (صبر بر تو نشیند)». (همان: ۳۱۶)

۳-۵. استفاده از صفت عالی و صفت تفضیلی. در تعریف مفاهیم، مثال: - و گفت: «بزرگ‌ترین غفلت‌ها آن است که از خدای - عزّ و جلّ - غافل ماند و از فرمان‌های او و از معاملات او.» (همان: ۴۹۱) - و گفت: «هیچ معصیت نیست بدتر از فراموشی حق.» (همان: ۳۱۶) - و گفت: «بلندتر منزلی طالبان را خوف است و بلندترین منزلی واصلان را حیاست.» (همان: ۳۷۰) «افضل طاعات، حفظ اوقات است.» (همان: ۷۴۳) «هیچ گناه عظیم‌تر از آن نیست که کسی، برادر مسلمان را حقیر دارد.» (همان: ۷۶۹)

۳-۶. بکار بردن جمله‌های شرطی، مثال: و گفت: «اگر بلا نبودی به‌حق راه نبودی.» (همان: ۳۱۴) «اگر من از دعا محروم مانم بر من بسی دشوارتر از آنکه از اجابت.» (همان: ۶۷) ۳-۷. به کار بردن (را) در معنی (حرف اضافه به و برای)، مثال: (را) در معنی (به) «نقل است که یکی او را گفت ...». (همان: ۴۴۱) به کار بردن (به) در معنی (برای) مثال: - و گفت: «هرکه در دل، اندیشه دنیا و آخرت دارد، حرام است او را مجلس ما.» (همان، ذکر شبلی: ۶۲۱) (با) در معنی (به) بکار رفته، مثال: نقل است که یکی با وی گفت.» (همان: ۴۹۵)

۳-۸. به کار بردن مخفف کلمات، مثل (بل = بلکه) (نیم = نیستم). مثال: و گفت: «جوانمردی آن است که خلق را چون خویشتن خواهی بل که بهتر.» (همان، ذکر شبلی: ۶۳۴) - و گفت «اگر هشت بهشت را در کلبه ما گشایند و ولایت هردو سرای به اقطاع به ما دهند، هنوز بدان یک آه که در سحرگاه بر یاد شوق او از جان ما برآید، ندهیم بل که یک نفس که به درد او برآیم، با ملک هژده هزار عالم برابر کنیم» همان: ۱۸۹) و گفت: «شیطان گوید من بدین ابلهی نیم که اول‌بار مؤمنی را به کافری دعوت کنم.» (همان: ۵۳۷)

۳-۹. به کار بردن دو واژه (عوام و خواص) یا مفرد این دو واژه (عامّ و خاصّ) و تقسیم افراد به گروه خاصّ و عامّ، مثال: - گفت: «خوف خاص در وقت بود و خوف عام در مستقبل.» (همان: ۴۸۱)

۳-۱۰. استفاده از واژه‌های کهن:

۱- (شدم به معنی رفتم) مثال: و گفت: «در مسجدی شدم. درویشی را دیدم.» (همان: ۵۴۶)

- ۲- (علامت، به معنی نشانه) مثال: - و گفت: «انس را علامت است: دائم نشستن در خلوت و طول وحشت.» (همان: ۵۹) - و گفت: «علامت خوف، کوتاهی امل است.» (همان: ۳۰۲)
- ۳- (حدیث، به معنی سخن) مثال: میگوید: «هر چه گفتی از حدیث مرگ همچنان که مرگ صعب کاری است و پیوسته از مرگ می‌اندیش و یاد می‌کن.» (همان: ۷۹۵)
- ۴- (می‌باید، به معنی لازم است) مثال: - و گفت: «می‌باید که خوف بیش از حد رجاء بود.» (همان: ۵۵۵)
- ۵- (جمله، به معنی همه) مثال: - و گفت: «جمله دنیا از اوّل تا آخر در برابر یک‌ساعته غم نیرزد، پس چگونه بود جمله عمر در غم بودن از بهر اندک نصیبی از او.» (همان: ۳۶۷)
- ۶- (اندر، به جای در) مثال: - گفت: «اندر پذیرفتن، ذلّ خویش دیدم و در ناگرفتن عزّ خویش.» (همان: ۳۰۲ و ۳۰۳)
- ۷- (ساخته، به معنی آماده) مثال: - گفت: «مرگ را ساخته باش که از او چاره نیست.» (همان: ۵۴۰)
- ۸- (باز بسته، به معنی مربوط) مثال: - و گفت: «هر که حافظ قرآن نباشد و حدیث پیغمبر (ص) ننوشته باشد، به وی اقتدا می‌کند؛ زیرا که علم به کتاب و سنّت باز بسته است.» (همان: ۴۳۷)
- ۳-۱۱. به جای (می) استمراری از (ی) در آخر فعل استفاده شده است؛ مثال: و گفت: «اگر مرگ را در بازار فروختندی و بر طبق نهادندی، سزاوار بودی اهل آخرت را که هیچ‌شان آرزو نیامدی و نخریدندی جز مرگ.» (همان: ۳۶۵) - مثال: - نقل است که گفت: «از غایت حلاوت ذکر نخواستی که شب به خواب روم حیلتی ساختمی بر سنگ لغزان به مقدار یک‌قدم در زیر آن وادی، اگر فرو خواب بردی، خود را خفته یافتمی ستان بر چنین سنگی خرد افتادمی پاره‌پاره شدمی پس بر چنین سنگی نشستمی.» (همان: ۷۸۲)
- ۳-۱۲. حذف فعل و یا بعضی از اجزای آن. مثال: گفت: «از طاعت کدام فاضل‌تر؟ گفت مراقبت حق بر دوام وقت.» (همان: ۴۳۱) و گفت: «آتش دوزخ با مردان نکند آنچه یک‌ذره غفلت

کند...» (همان: ۲۰۱) و همچنین «اول نشان حکمت خاموشی است و سخن گفتن به قدر حاجت». (همان: ۵۳۶)

۱۳-۳. استفاده بیشتر از (ی) وحدت و (ی) نکره. مثال: «و یکی از وی وصیتی خواست. گفت: «سنگی برگیر و هر دو پای خود بشکن و کاردی بردار و زبان خود ببر...». (همان، ذکر ابوبکر وراق: «یکی روزی از وی پندی خواست». (همان: ۲۱۹)

۱۴-۳. حرف اضافه (به) به جای (در) و برعکس. مثال: «به عرفات ایستاده بود و در خلق نظاره می کرد». (همان: ۹۴)

۱۵-۳. استفاده از جمله های امر و نهی، مثال: و گفت: «بترسید و با هیچ کس بد مکنید که اگر با کسی بدی کند، خداوند کسی بگمارد تا با وی مکافات آن کند در بدی». (همان: ۷۷۱)

۱۶-۳. تعریف کوتاه به صورت یک حکم قطعی. مثال: - و گفت: «صبر، ترک شکایت است». (همان: ۴۸۶) - و گفت: «تصوّف، حسن خلق است». (همان: ۵۱۷) «ادب امید گاه فقر است و آرایش اغنیا». (همان: ۴۸۲)

۱۷-۳. تعریف مفاهیم که با هم ارتباط علی و معلولی دارند، مثال: «معرفت، اوّل قناعت است و قناعت، ترک شهوات است و ترک شهوات، اول رضاست و رضا، اوّل موافقت است». (همان: ۳۲۰) گفت: «انس آن است که اندامها انس گیرد به عقل، و عقل انس گیرد به علم، و علم انس گیرد به بنده، و بنده انس گیرد به خدای». (همان: ۳۱۹)

۱۸-۳. کلمه عربی با علامت های فارسی، مثال: - و گفت: «صحبت با فاسقان نیکوخوی دوست تر دارم از آنکه با قراء بدخوی». (همان: ۴۴۵) و پرسیدند: «اگر اصحاب سلاطین و متعلّقان ایشان، چیزی به شیخ...» (همان: ۷۷۴) - نقل است که «ایشان، به احسان من اولیترند». (همان: ۲۲۰)

۱۹-۳. کلمات متضادّ در کنار هم یا در یک جمله، مثال: - گفت: «مراقبت، انتظار غایب است و یا خجلت از حاضر مشاهده». (همان: ۴۴۳) و گفت: «بسیار بگریید و کم خندید و بسیار خاموش باشید و کم گویند و بسیار دهید و کم خورید و بسیار سر از بالین برگیرید و باز منهد». (همان: ۷۰۴)

- ۲۰-۳. جابه‌جایی موصوف و صفت، مثال: و گفتم: «مبارک شبی که امشب بود و ستوده صحبت که بود! همانا صحبت چنین، بهتر از وحدت.» فضیل گفت: «بد شبی بود امشب و تباه صحبتی که دوش بود.» (همان: ۷۳۵)
- ۲۱-۳. استفاده از (همی) به عنوان علامت استمراری، مثال: «پس سزای آنم که ایشان همی گویند.» (همان: ۳۷۳)
- ۲۲-۳. استثناء قرار دادن با واژه‌های شرطی (مگر و اگر)، مثال: «خلوت درست نیاید مگر به حلال خوردن و حلال درست نیاید مگر به حق خدای.» (همان: ۳۱۲)
- گفت: «نیت کردم که هیچ نخورم مگر از حلال.» (همان: ۶۲۵)
- ۲۳-۳. به کار بردن اصطلاحات عرفانی، مثال: گفت: «محبّت داخل است در رضا و رضا نیز در محبّت.» (همان: ۴۵۵) مثال: - و گفت: «ما این تصوف به قیل و قال نگرفتیم و در چشم آراسته... (همان: ۴۲۰) «عبدالله را وقت خوش گشت.» (همان: ۲۱۸) - و گفت: «میاید که خوف بیش از حد رجاء بود.» (همان: ۵۵۵)
- ۲۴-۳. به کار بردن اصطلاحات عامیانه، مثال: «دید آنچه دید.» (همان: ۳۰۱) - و گفت: «مرگ را ساخته باید بود؛ چون مرگ بیاید، بازنگردد.» (همان: ۲۳۷)
- ۲۵-۳. توصیف و تجسم واقعه، مثال: و گفت: «جوانمردی دریایی است به سه چشمه: یکی سخاوت، دوّم شفقت، سیّوم بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حق.» (همان: ۶۹۵) - و گفت: «سخی را سرکیسه گشاده و دستهای وی گشاده و درهای بهشت گشاده بر وی.» (همان: ۷۷۱)
- ۲۶-۳. جمله‌های مرکب هسته و وابسته، مثال: و گفت: «محبّت هرگز درست نیاید تا اعراض را در سرّ او اثری بود.» (همان: ۷۴۴)
- ۲۷-۳. حذف علامت «را» از جمله، مثال: «درویشی در وادی می‌رفت شیری قصد او کرد.» (همان، ذکر ابراهیم رقی: ۴۳۴) هرم گفت: «وصیّتی کن» گفت «مرگ زیر بالین دار.» (همان: ۲۵)
- ۲۸-۳. تبعیت موصوف و صفت به روش عربی، مثال: نقل است که «روزی خادمه رابعه پیه آبه‌ای می‌کرد که...» (همان: ۷۷)

- ۲۹-۳. استفاده از اصطلاحات دینی و مذهبی، مثال: گفت: «هر که بامداد برخیزد و زبان را به لغو و غیبت فحش مشغول کند، بدانم که حرام خورده است و هر چه که بامداد برخیزد و زبان به ذکر خدای تعالی - و تهلیل و استغفار مشغول دارد، بدانم که حلال خورده است». (همان: ۵۳۸)
- ۳۰-۳. استفاده از جمله‌های منفی و مثبت، مثال: ابن عطا گفت: «بلندی نیافت آنکه یافت آلا خوی خوش...» (همان: ۴۹۶) «شکر آن بود که نعمت نبینی، منعم را بینی». (همان: ۶۳۴)
- ۳۱-۳. استفاده بیشتر از واو عطف، مثال: - و گفت: «داروی دل پنج چیز است: قرآن خواندن و اندر او نگاه کردن و شکم تهی داشتن و قیام شب و تضرع کردن به وقت سحرگاه و با نیکان نشستن». (همان: ۶۰۸) - و گفت: «دواء دل پنج چیز است: هم‌نشینی اهل صلاح و خواندن قرآن و تهی داشتن شکم و نماز شب و زاری کردن در وقت سحر». (همان: ۴۱۲)
- ۳۲-۳. هم معنایی یا مترادف، مثال: - گفت: «نگه داشتن زبان، بر خلق سخت‌تر از نگه داشت درم و دینارست...» (همان: ۵۸) - و گفت: «مروّت، شاخی است از فتوت و آن برگشتن است از دوعالم و هرچه در اوست». (همان: ۷۹۳)
- ۳۳-۳. استفاده از (صفت مبهم هیچ) به عنوان وابسته پیشین، مثال: «هیچ چیز ندیدم رساننده‌تر به اخلاص، ...». (همان: ۱۴۹)
- ۳۴-۳. واج آرایبی و واژه آرایبی جمله‌ها، مثال: و گفت: «بیزارم از آن خدای که به طاعت من از من خشنود شود و به معصیت من از من خشم گیرد، پس او خود دربند من است تا من چه کنم». (همان: ۷۴۴) - «حقیقت ذکر، شدن ذاکر است در ذکر و ذکر در مشاهده مذکور». (همان: ۴۴۶) - گفت: «در صحبت اهل صلاح، صلاح دل پدید آید و در صحبت اهل فساد، فساد دل ظاهر شود...». (همان: ۶۱۱)

۴- ویژگی‌های تذکره‌الاولیاء از منظر ادبی:

گام دوم در بررسی یک اثر، فهم زیبایی‌های ادبی آن است «در این سطح، شیوه نویسنده در به‌کارگیری عناصر زیبایی‌آفرین در سه سطح: آوایی یا موسیقایی، بیان و بدیع معنوی بررسی می‌شود. «سبک‌شناسی در واقع گونه‌ای از تحلیل ادبی است که با تکیه بر روش‌های زبان‌شناسی

جنبه‌های مؤثر زبان مجازی و زیبایی‌های صور زبانی را بررسی میکند و به زبان پیچیده و نفیس ادبی بیش از زبان ساده علاقه نشان می‌دهد». (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۴)

نمونه‌هایی از ویژگی‌های ادبی تذکره‌الاولیاء:

۱-۴. تلمیح، مثال: - گفت: «زیرا که معصیت ابلیس از کبر بود و ذلت آدم از شهوت». (عطار، ۱۳۷۰: ۳۳۸)

۲-۴. سجع و توازن به تقلید از اسلوب نثر عربی، مثال «محبّت را نهایت نیست از بهر آن که محبوب را نهایت نیست هر که را خواند نه به علّت خواند و هر که را راند نه به علّت راند». (همان: ۴۱۵)

۳-۴. تناقض یا پارادوکس، مثال: - «مرد باید که گوینده خاموش بود و خاموش گویا». (همان، ذکر ابوبکر واسطی: ۷۳۹) و گفت: «هر که علم جُهّال آموزد، حق علم ضایع کرده باشد». (همان: ۲۵۳)
 ۴-۴. استفاده از کنایه: مثال: - گفت: «اگر در دل کرده بودی که هرگز از خلق چیزی قبول نخواهم کرد». (همان: ۱۳۳) «دست ندهد بنده را توبه». (همان: ۳۱۵) «تا جان من، میان لب و دندان ایستاده است». (همان: ۶۷۶)

«از خود بشدی و به هر که رسیدی، گفتمی: «استعدّ للموت قبل نزوله.» «ساخته باش مرگ را...» (همان: ۲۲۹) - «مرگ زیر بالین دار، چون بخشبی و پیش چشم دار». (همان: ۲۵) «بخیل را سرکیسه بسته باشد». (همان: ۷۷۱)

۵-۴. استفاده از تمثیل و اقتباس، مثال: از او پرسیدند صفت مرید چیست؟ گفت آن است که حق تعالی فرموده است: «ضاقت علیهم الارض بما رحبت و ضاقت علیهم انفسهم». (همان: ۶۳۷)

۶-۴. مراعات نظیر از نوع تضاد، مثال: و گفت: «من نگویم که دوزخ و بهشت نیست». (همان: ۶۷۶) و مراعات نظیر از نوع تناسب: مثال: و گفت: «از بندگان تو بعضی نماز و روزه دوست دارند و بعضی حج و عزا و بعضی علم و سجاده». (همان: ۶۸۹) - و گفت: «هیبت، گدازنده دلهاست و محبّت، گدازنده جان‌ها و شوق، گدازنده نفس‌ها». (همان: ۶۳۱) گفت: «طاعت خلق سه چیز است به نفس و زبان و به دل». (همان: ۷۰۳)

- ۴-۷. آرایه تشبیه: مثال: گفت: «دنیا چون خواب است و آخرت چون بیداری.» (همان: ۳۶۳) و «خوف درختی است در دل و ثمره آن دعا و تضرع.» (همان: ۳۶۸)
- ۴-۸. تعریف با تشبیه و اعداد، مثال: - «جوانمردی دریایی است به سه چشمه: یکی سخاوت، دوّم شفقت، سیّوم بی‌نیازی از خلق و نیازمندی به حق.» (همان: ۶۹۵)
- ۴-۹. آرایه اشتقاق و شبه اشتقاق، مثال: «حقیقت ذکر، فانی شدن ذاکر است در ذکر و ذکر در مشاهده مذکور.» (همان، ذکر جنید بغدادی: ۴۴۶) - گفت: «هیچ چیز ندیدم رساننده‌تر به اخلاص و دست زد به رکنی از ارکان صدق.» (همان: ۱۴۹) - و گفت: «هر چیزی را واعظی است و واعظ دل حیاست و فاضلترین گنج مؤمن حیاست.» (همان: ۷۵۷)
- ۴-۱۰. استعاره و اضافه استعاری: مثال: «در ذکر بروی گشاده گرداند.» (همان: ۴۶۰) و «خدا - تعالی - دشمن دارد اهل خانه‌ای را که در آن گوشت بسیار خورند. (گوشت استعاره از غیبت)» (همان: ۲۲۸) نقل است که «روزی دعوتی ساخت از یاران. کسی را می‌پاییدند. یکی گفت: «او مردی گران است.» ابراهیم گفت: «مردمان نان پیش از گوشت خورند، شما گوشت پیش از نان می‌خورید؟» (همان: ۱۲۳)
- ۴-۱۱. استفاده از روش استنتاج (قیاس) در تعاریف واژه‌ها و روش استنتاجی، مثال: - و گفت: «ایمان مرد کامل نشود تا وقتی که عمل او به ورع نبود و ورع او به اخلاص و اخلاص او به مشاهده و ...» (همان: ۳۱۳) و گفت: «مراعات، مراقبت آرد و مراقبت، اخلاص سرّ و علانیّه.» (همان: ۶۰۹)
- ۴-۱۲. استفاده از آرایه عکس و ترکیب‌های جدید، مثال: و گفت: «اگر توانی که به صبر نشینی چنان کن و از آن قوم مباش که صبر بر تو نشیند.» (همان: ۳۱۶) - و گفت: «جوانمردان دست از عمل بندارند [تا] عمل دست از ایشان بندارد.» (همان: ۷۰۳) - و گفت: «محبت داخل است در رضا و رضا نیز در محبّت.» (همان: ۴۵۵) - و گفت: «هر که خود را خوارداشت، خدای - تعالی - او را رفیع‌القدر گرداند و هر که خود را عزیز داشت، خدای - تعالی - او را خوار داشت.» (همان: ۵۲۳)
- ۴-۱۳. استفاده از آرایه جمع و تقسیم، مثال: - و گفت: «هلاک خلق در دو چیز است: یکی خلق را حرمت نداشتن و یکی حق را منت نداشتن.» (همان: ۱۹۷) همه چیز اندر دو چیز یافتیم: یکی مرا و یکی نه مرا، آنکه مراست، از بسیار از آن بگریزم، هم‌سوی من آید و آنکه نه مراست اگر بسی جهد کنم، به جهد خویش هرگز در دنیا نیابم.» (همان: ۵۸)

- ۴-۱۴. استفاده از اغراق، مثال: - نقل است که هر که سلامش کردی، روی ترش کردی و جواب گفתי از سر این پرسیدند، گفت: «پیامبر (ص) فرموده: «هر که سلام کند بر مسلمانی صد رحمت ذکر فروآید. نود آن کس را بود که روی تازه دارد. من روی ترش کرده‌ام تا نود رحمت او را بود». (همان: ۳۳۳) گفت: «میخواهم که زودتر قیامت برخاستی تا من خیمه خود برطرف دوزخ زدمی که چون دوزخ مرا ببند، پست شود تا من سبب راحت خلق باشم». (همان: ۱۸۱)
- ۴-۱۵. اضافه تشبیهی، مثال: «بساط جهل، آب موافقت، درخت معرفت». (همان، ذکر احمد مسروق: ۴۸۵) گفت: «بر لب دریای غیب ایستاده بودم». (همان: ۶۴۴)
- ۴-۱۶. تشبیه و تمثیل، مثال: - گفت: «بلا، چراغ عارفان است و بیدارکننده مریدان و هلاک‌کننده غافلان». (همان: ۴۴۰) - مثال: گفت: «گرسنگی ابری است که جز باران حکمت نباراند». (همان: ۱۹۶) مثال: و گفت: «چون مرید نعره زند و بانگ کند حوضی بود و چون خاموش شود دریایی گردد پر ذر». (همان: ۱۹۶)
- ۴-۱۷. موازنه، مثال: پرسیدند از اخلاص، گفت: «هر چه بر دیدار خدا کنی اخلاص بود و هر چه بر دیدار خلق کنی ریا بود». (همان: ۷۱۰) - و گفت: «تواضع توانگران درویشان را دیانت است و تواضع درویشان، توانگران را خیانت». (همان: ۶۵۵)
- ۴-۱۸. استفاده از تمثیل و استشهاد، مثال: «گفت در بادیه ره گم کردم. بسی رفتم و راه نیافتم تا آواز خروسی شنیدم دربی رفتم و در آنجا شخصی دیدم بدوید شاد شدم. مرا قفایی زد چنانکه رنجور شدم. گفتم خدایا کسی که به تو توکل کند، با وی این کنند؟ آوازی آمد تا توکل بر ما داشتی عزیز بودی و چون توکل بر آواز خروس کردی، آن قفا بدان خوردی». (همان: ۵۲۵)
- ۴-۱۹. سجع‌گویی‌های متکلف و تصنعی به نوعی براعت استهلال و فضا سازی در شروع ذکر مشایخ در سراسر کتاب دیده می‌شود، مثال: «آن مخلص متقی آن مقتدای مقتدی، آن شمع سابقان، آن صبح صادقان، آن فقیر غنی». (همان: ۵۷)

۵- ویژگی‌های تذکره‌الاولیاء از منظر فکری:

در سطح فکری، کتاب تذکره‌الاولیاء می‌توان گفت: «که از بیان حکایات مقصود عطار مسائل تاریخی نیست بلکه نظر اصلیش متوجه است به ایجاد ایمان و حسن اعتقاد نسبت به مشایخ و اکابر صوفی و هدایت خوانندگان به معارف الهی و طریق تهذیب نفس و تصفیه باطن و تکمیل اخلاق و تلطیف حس انسانی و در این زمینه عطار توفیق عظیم یافته و تذکره‌الاولیاء چراغی است فرایش طالب و سالک حقیقت و راه انسانیت برافروخته و برافراشته است». (فروزان فر، ۱۳۸۸: ۷۷) و محور ویژگی‌های فکری تذکره‌الاولیاء: در واقع تصویری از اعتقادات و جهان بینی آن‌هاست و سیره مشایخ طریقت بر بسیاری از اصول و مبانی قرآن همچون، دنیاگریزی و آخرت‌گرایی و ورع و مفاهیم عرفانی، مکارم اخلاقی و فروانی و عظم و اندرز و مسائل اجتماعی است.

موضوعات پربسامد در تذکره‌الاولیاء:

- ۱-۵. مفاهیم عرفانی: خوف و رجا، توکل بر خدا، دوری از غفلت، حیا، مراقبت، محبت، معرفت زهد، دعا، اخلاص، پاکی دل، شکر، تقوی، حیرت، شوق، خاموشی، رضای خدا، توبه، ذکر، یقین...
- ۲-۵. مفاهیم اخلاقی: ترک شهوات، صبر، غیبت، بخیل، قناعت، فروخوردن خشم شفقت بر خلق خدا، حفظ حرمت مؤمن، عدم استفاده از مال مردم ...
- ۳-۵. مفاهیم اجتماعی: صداقت، ادب، خدمت به خلق، ارزش وقت مروّت، سخاوت، مذموم بودن ریا و ...

نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث عارفان در تذکره‌الاولیاء که به صورت موردی انتخاب شده‌اند:

موضوع سؤال: ارزش مسجد، رضای مادر، احترام به حیوانات و حضور قلب، ارزش خواندن قرآن، زهد سنت و فریضه نماز، امر به معروف، معرفت، توحید، تصوف.	ذکر بایزید بسطامی
موضوع سؤال: ارزش ایمان، همت، بلا، علم، جهل عبودیت، شکر، صدق، ویژگی عارف، خوی نیک، مشاهده، توبه، توکل و اخلاص.	ذکر سهل بن عبدالله
موضوع سؤال: ارزش ایمان، همت، بلا، علم، جهل عبودیت، شکر، صدق، ویژگی عارف، خوی نیک، مشاهده، توبه، توکل اخلاص، تقوی، سماع و رضا.	ذکر ابوالقاسم نصرآبادی
موضوع سؤال: معرفت، ویژگی‌های مرید، تمنا، آرزو.	ذکر شیخ الصائغ
موضوع سؤال: راستی، زکات، حلال و حرام.	ذکر ابوالعباس نهاوندی

نتیجه‌گیری

کتاب تذکره‌الاولیاء یک کتاب تعلیمی است فُرم ظاهری و چارچوب کلی نگارش عطار، تقریباً در تمام تذکره‌الاولیاء یکسان است. او هر بخش را یک ذکر (یاد) می‌نامد که مکارم اخلاقی، مواعظ و مفاهیم عرفانی و اجتماعی را با روش سؤال و جواب آموزش می‌دهد. شیوه توضیح مفاهیم به سه صورت در کتاب به چشم می‌خورد: ۱- با جمله‌های کوتاه و موجز ۲- توضیح و تفسیر مفاهیم با نقل قول‌های مختلف ۳- با استفاده از تمثیل و حکایت که در هر سه روش، ویژگی‌های (زبانی، ادبی و فکری) آن را می‌توان چنین بیان کرد.

در سطح زبانی، کوتاهی جمله‌ها، استفاده از واژه‌های کهن، بای تأکید، یای استمرار، لغات و ترکیبات عربی و ... در سطح ادبی، استفاده از آرایه‌های ساده مانند: تلمیح، تمثیل، پارادوکس، تشبیه، استعاره و ... در سطح فکری، اشاره به موضوعات عرفانی، اخلاقی و اجتماعی مثل توحید و اختیار و شجاعت و اصطلاحات عرفانی و ... از نظر نوع نثر، در قسمت توصیف و معرفی عارفان از نثر مسجع و موزون استفاده شده و در بقیه قسمت‌ها نثر مُرسل و نمونه تکامل یافته نثر پارسی خراسان است. با بررسی ویژگی‌های یادشده در بیش از ۷۰ درصد مطالب کتاب، یکدستی نوشته‌ها به چشم می‌خورد و سبک خاص عطار در تمام قسمت‌ها یکسان به کار رفته است. از نظر پراکندگی این ویژگی‌ها، با توجه به انتخاب تصادفی چند مورد، تقریباً در کل کتاب به صورت مشابه به کار رفته‌اند. با این که کتاب فوق‌الذکر، در شرح احوال ۹۷ عارف از شهرها و زمان‌های مختلف نوشته شده است، ولی عطار با سبک خاص خودش به همه آن‌ها ویژگی‌های مشابهی داده است که باعث جذابیت و شیوایی کلام از اول تا آخر کتاب شده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابنامه

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - احمدی، بابک، (۱۳۷۹)، چهار گزارش از تذکره‌الاولیاء عطار، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- ۳ - بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- ۴ - خطیبی، حسین، (۱۳۸۶)، فن نثر در ادب پارسی، تهران: زوار.
- ۵ - دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین تهران: سازمان لغت‌نامه.
- ۶ - رزمجو، حسین، (۱۳۹۰)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۷ - شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران: سخن.
- ۸ - شمیسا، سیروس، (۱۳۸۴)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: میترا.
- ۹ - _____، (۱۳۸۹)، سبک‌شناسی نثر، تهران: میترا.
- ۱۰ - عبادیان، محمود، (۱۳۷۲)، در آمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، تهران: مؤسسه آوای نور.
- ۱۱ - عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۷۰)، تذکره‌الاولیاء، تصحیح متن و توضیحات محمد استعلامی، تهران: زوار.
- ۱۲ - _____، (۱۳۹۷)، تذکره‌الاولیاء، مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- ۱۳ - فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی، تهران: سخن.
- ۱۴ - فروزان فر، بدیع‌الزمان، (۱۳۸۸)، شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، تهران: زوار.
- ۱۵ - ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۹۲)، دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- ۱۶ - همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۸)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، قم: هما.

ب: مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ۱۷ - جابری، ناصر، (۱۳۹۸)، «مطالعه ساختار و موضوع طرفین گفتگوی انتقادی در تذکرة الاولیاء» مجله پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۴۲، صص: ۹۱-۱۰۸.
- ۱۸ - حسن‌وند، صحبت‌الله؛ ازه‌ای، تقی، (۱۳۹۸)، «تحلیل و سنجش زیرساخت قرآنی تذکرة الاولیاء عطار در رویکرد تعلیمی- تربیتی» نشریه مطالعات عرفانی، شماره ۲۹، صص: ۳۰-۵.
- ۱۹ - روضاتیان، مریم، (۱۳۹۰)، «ملحقات تذکرة الاولیاء بررسی و مقایسه بینامتنی بخش اول و دوم» نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۵، شماره ۱۷، صص: ۱۴۷-۱۷۴.
- ۲۰ - روضاتیان، مریم؛ میرباقری، سیدعلی اصغر؛ همتی، مرضیه، (۱۳۹۳)، «بررسی و مقایسه سبک‌شناختی بخش اول و دوم تذکرة الاولیاء»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه: اصفهان.
- ۲۱ - علیزاده، علی و؛ بهروزی‌فر، مریم، (۱۳۹۴)، «شناسایی مؤلف متون کهن ادبی با مراجعه به ساختارهای نحوی موجود در آن (مطالعه موردی تذکرة الاولیاء)»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۵۱، شماره ۲، صص: ۴۵-۶۲.
- ۲۲ - مشتاق‌مهر، رحمان؛ برزی، اصغر، (۱۳۹۰)، «محتوا و ساختار در تذکرة الاولیاء عطار» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۵۴، شماره ۲۲۳، صص: ۱۹۱-۲۲۰.
- ۲۳ - مشکین‌دایم‌هشی، شهریار، (۱۳۹۹)، «بررسی سبک شخصی دو بخش اصلی افزوده تذکرة الاولیاء عطار»، نشریه کارنامه متون ادبی دوره عراقی، بهار، شماره ۶، صص: ۱۱۳-۱۳۲.
- ۲۴ - نزهت، بهمن؛ مهدوی، مدینه (۱۳۹۰)، «مطالعه و بررسی نوع ادبی تذکرة الاولیاء در عرفان و ادب فارسی» با تأکید بر تذکرة الاولیاء عطار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه: ارومیه.